



مرکز بررسی‌های استراتژیک
CENTER FOR STRATEGIC STUDIES



گزارش نشست حکمرانی جهانی فضای مجازی

توصیه‌هایی برای کنشگری فعال

حوزه سیاستی: سیاست خارجی، علم، فناوری و نوآوری

شماره مسلسل: ۵۶۰

کد گزارش: ۹۹-۱۲۹

۱۴ مهر ۱۳۹۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شماره مسلسل: ۵۶۰

کد گزارش: ۹۹-۱۲۹

عنوان گزارش: گزارش نشست حکمرانی جهانی فضای مجازی: توصیه‌هایی برای کنشگری فعال
حوزه سیاستی: سیاست خارجی، علم، فناوری و نوآوری

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

۱۴ مهر ۱۳۹۹

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.

مقدمه

با توجه به پیچیدگی‌های ناشی از انقلاب دیجیتال و تأثیر این تغییرات در مناسبات سیاستگذاری داخلی و بین‌المللی و از سوی دیگر فقدان راهبرد در زمینه حکمرانی سایبری کشور، این ضرورت وجود دارد تا سلسله جلساتی در زمینه حکمرانی فضای دیجیتال برگزار شود و این مباحث مورد بحث و گفتگو قرار گیرد. به این منظور مرکز بررسی استراتژیک ریاست جمهوری در **دومین نشست** با محوریت موضوع «**حکمرانی جهانی فضای مجازی**» در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۹۹ **میزبان جناب آقای دکتر سید مجتبی امامی** استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق ^{علیه‌السلام} و استاد هادی محترم هسته خطامشی فضای مجازی مرکز رشد دانشگاه امام صادق ^{علیه‌السلام} بود. این جلسه با حضور متخصصان حوزه حکمرانی سایبری و حکمرانی فضای مجازی و پژوهشگاه‌ها و اندیشکده‌های مختلف از جمله «پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات»، «پژوهشکده سیاستگذاری و اندیشکده حکمرانی شریف»، «مرکز ملی فضای مجازی»، «مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت»، «مرکز همکاری‌ها و مطالعات راهبردی بین‌المللی وزارت ارتباطات» و «وزارت امور خارجه» برگزار شده است.

گزارش پیش‌رو در چهار بخش تنظیم شده است. در بخش اول به منظور درک بهتر مباحث مربوط به حکمرانی فضای مجازی، الگوی تحلیل حکمرانی مطرح شده است. در بخش دوم الگوی حکمرانی جهانی فضای مجازی بررسی می‌شود. در بخش سوم سبک‌های متفاوت نظام حکمرانی و در بخش چهارم برخی از دلالت‌ها و نتایجی که برای امروز مورد استفاده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.



۱- الگوی تحلیل حکمرانی

برنامه‌ریزی برای حضور قوی و مستمر در مجامع جهانی مرتبط با فضای مجازی به منظور صیانت از حقوق و منافع ملی، به دست‌گیری ابتکار عمل و گسترش تعاملات میان دولت‌های همسو و در جهت سالم و ایمن‌سازی فضای مجازی و امکان بهره‌گیری همه کشورها از فضا بر اساس حاکمیت ملی و عدالت مقام معظم رهبری؛ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷؛ پیوست حکم تشکیل شورای عالی فضای مجازی.

یکی از مسائل اساسی که در حوزه حکمرانی وجود دارد، آن است که مبانی نظری بسیار ثقیلی دارد و وقتی آن مبانی بیان می‌شود، ملال‌آور هستند، همچنین زمانی که روبنا را بیان کنیم، سوال پیش می‌آید که در چه نظام مفهومی این نکات گفته می‌شود. لذا تلاش شده است که ابتدا شمایی از برخی مسائل مبنایی مطرح شود و بعد از آن، برخی از دلالت‌ها و نتایجی که برای امروز مناسب است را استنتاج کنیم.

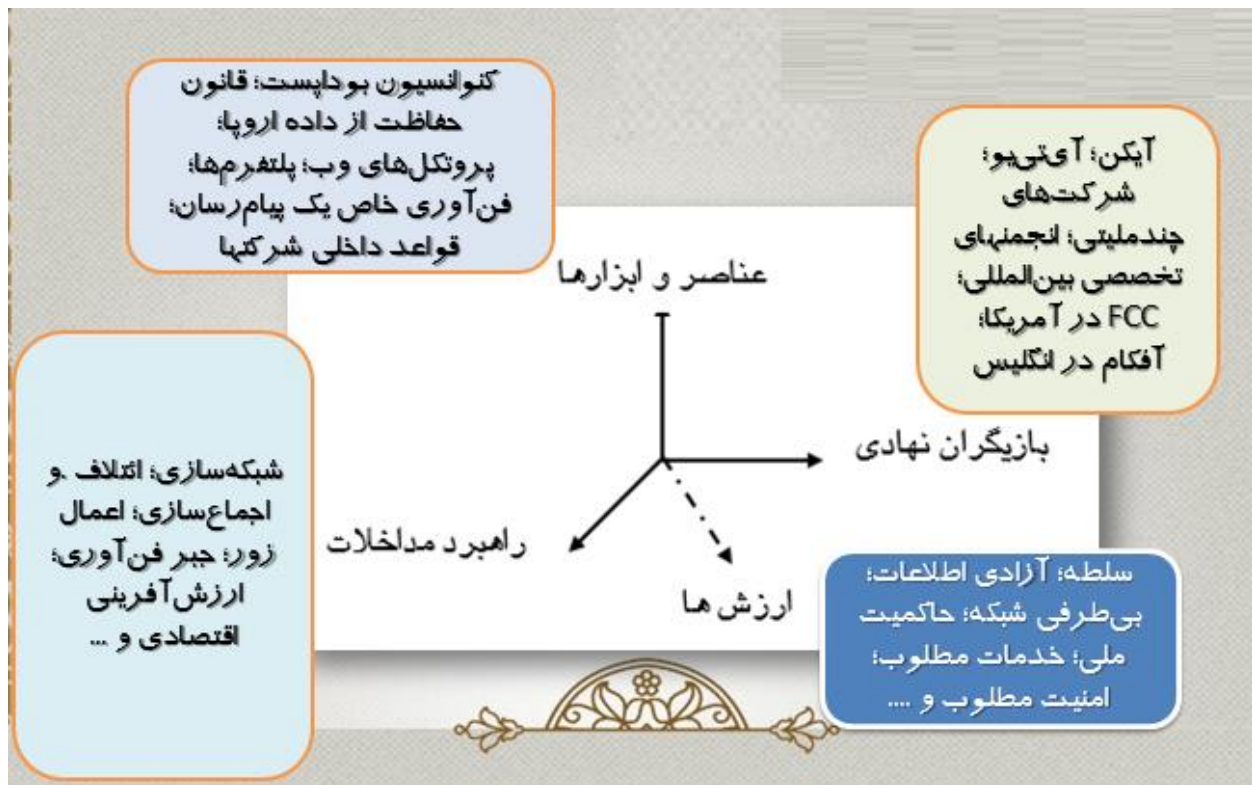
از دیگر مشکلاتی که در حوزه حکمرانی وجود دارد آن است که به مباحث و مبانی نظری حکمرانی بسیار کم پرداخته شده است. مباحث ترجمه شده نیز غالباً محدود به بحث حکمرانی خوب و مدل‌های آن است. به این دلیل که حوزه حکمرانی، یک حوزه میان رشته‌ای بسیار شدید بین حوزه علوم سیاسی (از نوع علوم سیاسی مسئله‌محور)، حوزه مدیریت و تحلیل خط‌مشی، حوزه حقوق، حوزه اقتصاد و حتی حوزه انسان‌شناسی و مردم‌شناسی است و این مساله بر پیچیدگی بحث می‌افزاید.

موضوع حکمرانی، موضوع «اعمال اراده» است. به منظور درک مفهوم حکمرانی لازم است به این ۴ سوال پاسخ داده

شود:

اراده چه کسی، بر چه چیزی، با چه سازوکاری، برای چه غایتی، اعمال شود؟

اعمال اراده در فضای مجازی با الگوی حکمرانی و مفهوم دولت مدرن که در این سال‌ها در کشور شکل گرفته است، متفاوت است. در بخش بازیگران فقط دولت‌ها نیستند که اعمال اراده می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی نیز نقش دارند و در برخی موارد بیشتر از حاکمیت‌های ملی اعمال نفوذ می‌کنند و به همین دلیل است که بحث حکمرانی جهانی مطرح می‌شود. برای مثال خط‌مشی‌های وزارت کار و امور اجتماعی بیشتر از آنکه تحت تاثیر تصمیمات داخلی باشد، تحت تاثیر مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار است. در حوزه حمل و نقل هوایی، مخابرات و بسیاری از حوزه‌های تخصصی دیگر نفوذ و تاثیر سازمان‌های تخصصی زیرمجموعه سازمان ملل بسیار زیاد است.



نمودار شماره ۱: مدل حکمرانی در فضای مجازی

۱-۱- **بازیگران نهادی:** همان‌طور که در نمودار شماره یک نشان داده شده است در عرصه فضای مجازی نقش بازیگران نهادی از جمله نهادهای بین‌المللی مانند آی‌تی‌یو، شرکت‌های چندملیتی و... بسیار حائز اهمیت است و نمی‌توان بدون توجه به نقش این سازمان‌ها، حکمرانی فضای سایبر را تحلیل کرد. شرکت‌های چندملیتی در بسیاری از حوزه‌های سیاست‌گذاری اعمال اراده می‌کنند. پس نمی‌توان اعمال اراده این گروه‌ها را نادیده گرفت. **حکمرانی، چارچوبی است که به ما کمک می‌کند، اعمال اراده را ببینیم.** لزوماً قرار نیست اعمال اراده حکومت‌ها را ببینیم بلکه می‌توان در این چارچوب اعمال اراده سایر بازیگران را نیز ملاحظه کرد. انجمن‌های تخصصی بین‌المللی (NGO) نیز نقش بسیار با اهمیتی دارند. نهادهای حکومتی مانند FCC در آمریکا و آفکام در انگلیس نیز نقش بسیار پررنگی دارند. همچنین در این فضا، رسانه‌ها نیز اعمال اراده می‌کنند.

۱-۲- **ارزش‌های متفاوت:** هر کدام از این بازیگران، ارزش‌های متفاوتی دارند. معنی ارزش، اعم از منافع و دغدغه‌ها و غایات است. از دید برخی بازیگران، «سلطه» به عنوان ارزش محسوب می‌شود و از دید برخی دیگر «آزادی اطلاعات»، «بی‌طرفی شبکه»، «حاکمیت ملی»، «خدمات مطلوب»، «امنیت مطلوب» و... به عنوان ارزش محسوب می‌شود. این بازیگران برای تحقق یکی از این ارزش‌ها وارد فضای حکمرانی می‌شوند. هیچ کدام فارغ از منافع و ارزش وارد این فضای حکمرانی نمی‌شوند.

۱-۳- **عناصر و ابزارهای مورد استفاده:** ابزارهای مورد استفاده، بسیار متفاوت است. در نظام تنظیم‌گری سنتی فقط قانون و زور وجود دارد ولی در فضای حکمرانی جدید، ابزارهای مورد استفاده، بسیار متکثر است. از کنوانسیون‌ها، استانداردها، تعهد، توافق، قوانین، پروتکل‌های وب، پلتفرم‌ها، فناوری‌ها، برنامه‌های کاربردی (آپ‌ها) و حتی قواعد داخلی



شرکت‌ها (مثلاً ۲۵۰ کاراکتر در توییتر) و ... مهمترین ابزارهای اعمال اراده هستند. (برخلاف نظر برخی افراد که صرفاً امری دارای بُعد فنی می‌دانند).

به طور کلی، سه دسته عمده‌ی از ابزارها وجود دارد که در سیاست عمومی مورد استفاده هستند: ۱- ابزارهای تنظیمی، ۲- ابزارهای اقتصادی و مالی، ۳- ابزارهای نرم.

۱- **ابزارهای تنظیمی**، نوع اول، از ابزارهای قانونی برای تنظیم تعاملات بازار و اجتماع استفاده می‌کند. منطق استفاده از چنین ابزاری، تمایل دولت به تعریف چارچوب‌هایی است که تعاملات جامعه و اقتصاد در آن‌ها روی می‌دهند. طبیعتاً انواع گوناگونی وجود دارد ولی نوع متداولش این است که این ابزارهای تنظیمی (قوانین، مقررات، رهنمودها، مجوزها و ...) ماهیت اجباری دارند؛ یعنی کنشگران مجبورند در محدوده‌های تعریف شده‌ای که مشخص می‌کنند چه کاری مجاز و چه چیز غیرمجاز است، عمل کنند. اگر مردم از این اقدامات اجباری پیروی نکنند، عموماً با تهدید به انواع تحریم آن‌ها را مجبور به اجرا خواهند کرد. قدرت قانونی دولت، مهم‌ترین ویژگی این ابزارهاست (یعنی تمرکز بر بخش قانونی-مثبت مقررات اجباری). از دیدگاه سیاست نوآوری، ابزارهای تنظیمی اغلب جهت تعیین بازار برای محصولات و پروسه‌های نوآور است. (به آن‌ها معمولاً روش متداول گفته می‌شود، یعنی «قواعد بازی» برای تمایز قائل شدن با بازیگران).

۲- **ابزارهای مالی و اقتصادی مشوق‌های اقتصادی** (یا بازدارنده‌هایی) را به وجود می‌آورند و از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خاصی حمایت می‌کنند. در کل، آن‌ها می‌توانند شامل اقتصاد به معنای پول نقد یا تهاتر باشند یا براساس مشوق‌های مالی مثبت (تشویق، ترفیع، فعالیت‌های خاص) یا بر اساس بازدارنده‌هایی مانند (منصرف‌سازی، منع کردن، فعالیت‌های خاص). مشوق‌های اقتصادی مثبت (تشویق و ترفیع) مانند انتقال وجه نقد، وام‌های بلاعوض، سوبسیدها، وام با بهره کم، تضمین وام و بازدارنده‌ها مانند مالیات، مخارج، هزینه‌ها، عوارض و تعرفه گمرکی است.

۳- **ویژگی ابزارهای نرم، داوطلبانه بودن و اجباری نبودن آن‌هاست**. زمانی که ابزارهای نرم استفاده می‌شوند، افراد تحت حاکمیت دیگر توسط دولت یا سازمان‌های عمومی‌اش مورد سنجش‌های اجباری، تحریم یا مشوق‌های مستقیم یا بازدارنده‌ها قرار نمی‌گیرند. در عوض، ابزارهای نرم، توصیه‌نامه، درخواست‌های قانونی فراهم می‌آورد یا موافقت‌نامه‌های داوطلبانه یا قراردادی و شکایت‌های عمومی و خصوصی پیشنهاد می‌کند. این ابزارها بسیار متنوع‌اند اما عموماً بر اساس موارد زیر هستند: ترغیب، تبادل دوجانبه اطلاعات میان کنشگران، و همکاری میان کنشگران عمومی و خصوصی.

۴-۱- **راهبردها: در حوزه راهبرد و مداخلات**، ابزارهای متعددی استفاده می‌شود از جمله ابزار شبکه‌سازی، گفتگو، جبر فناوری، ارزش‌آفرینی اقتصادی (اعمال اراده از طریق قیمت و بازار. همچنین حکمرانی دارای سطوحی است که از درون یک خانواده می‌تواند مطرح شود تا در سطح یک شرکت، و سپس در سطح ملی و حکمرانی کلان کشور تا حکمرانی مجموعه‌های چند ملیتی و در نهایت حکمرانی‌های جهانی^۱ و بین‌المللی^۲.



۲- حکمرانی جهانی فضای مجازی در دست چه کسی؟

اگر بخواهیم الگوی نظری طرح شده را در حوزه فضای مجازی بررسی کنیم، لازم است به این سوال پاسخ دهیم که در حوزه فضای مجازی، اراده چه کسی حاکم است؟

در مجامع علمی در حال حاضر، دغدغه‌ای وجود دارد که هر وقت بحث به افراد و بازیگران می‌رسد، می‌گویند بحث غیرعلمی شده است. مثلاً اگر درباره دغدغه‌های بنیان‌گذار تلگرام بحث شود، این انتقاد مطرح می‌شود که بحث غیرعلمی، داستان‌پردازی و روزنامه‌ای است. در صورتی که در ادبیات حکمرانی موضوع بسیار مهمی است و اساساً در حکمرانی «چه کسی؟» را نمی‌توان حذف کرد. این در حالی است که رویکرد غالب در غرب، مباحث مربوط به «اقتصاد سیاسی بین‌الملل» است. در صورتی که در کشور ما دانشجویان علوم سیاسی و اقتصاد، کمتر به مباحث اقتصاد سیاسی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل می‌پردازند. حتی در مفاهیم Politics Of... در هر حوزه‌ای یعنی چه کسی به چه نحوی در این موضوع نفع می‌برد؟. برای فهم بهتر بازیگران و منافع آنها لازم است که از مدل‌هایی مانند actor-center modeling استفاده کرد. بنابراین نمی‌توانیم در حوزه حکمرانی، «چه کسی؟» را فراموش کنیم.

برای پاسخ به این سوال که «حکمرانی جهانی فضای مجازی در دست چه کسی است» لازم است «تاریخ اینترنت» را مورد بررسی قرار دهیم تا مشخص شود که اینترنت برای چه شکل گرفته است و چه مراحل تحولی داشته است؟

۱- اینترنت، از ابزاری برای رفع نیازهای وزارت دفاع آمریکا تا فرصتی برای جلب منافع: در آن زمان وزارت دفاع آمریکا، نیاز به امنیت تبادل داده برای بخش‌های مختلف داشته است و برای رفع این نیاز، با همکاری سه دانشگاه اصلی-روابط حاکمیت و دانشگاه-، سیستمی طراحی کرده است تا نیازهای وزارت دفاع را برطرف کند.

۲- از ابزاری برای جلب منافع تا فرصتی برای بسط اراده حکمرانی در عصر فضای مجازی: در مرحله بعد از اینترنت به عنوان ابزاری برای تأمین منافع اقتصادی استفاده می‌کند. اما به مرور دریافتند که کاربران در شبکه اینترنت، تبدیل به افرادی می‌شوند که خوب اطاعت می‌کنند. و به این نتیجه رسیدند که اینترنت ابزار خوبی است برای بسط اراده.

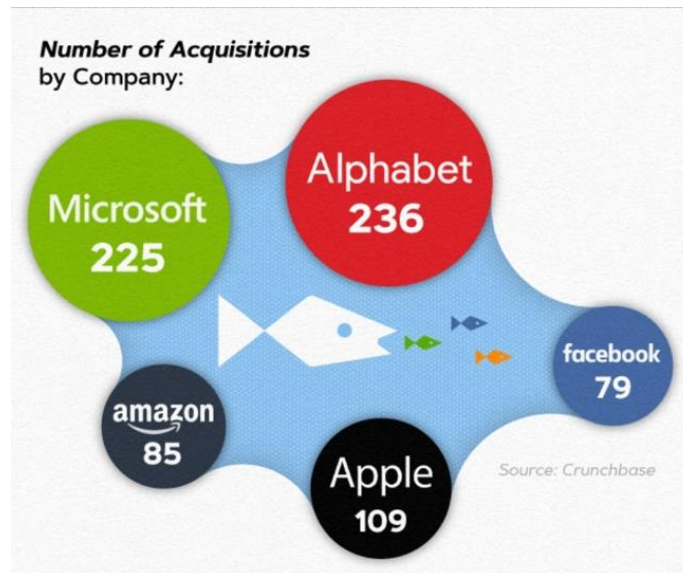
وقتی درباره حکمرانی اینترنت صحبت می‌کنیم درباره اعمال اراده بر یک ابزار اعمال اراده حرف می‌زنیم. و این مسئله باعث می‌شود حکمرانی فضای مجازی پیچیده‌تر شود. اعمال اراده بر ابزار اعمال اراده!

۳- فشار بین‌المللی بر حاکمیت دولت آمریکا بر اینترنت جهانی: وقتی که استفاده از اینترنت فراگیر شد، دولت‌ها نگران شدند که چرا این ابزار فقط در دست وزارت دفاع آمریکاست و این موضوع مورد اعتراض دولت‌ها قرار گرفت.

۴- جایگزینی شرکت‌ها به جای دولت: دولت آمریکا برای اینکه بتواند این فشار بین‌المللی را خنثی کند، شرکت‌ها را به جای دولت جایگزین کرد و در ظاهر خودش را از مظان اتهام خارج کرد. بنابراین شرکت‌های خصوصی، به منظور اعمال اراده (ملی و) دولت ایجاد شدند. برخلاف ایران که دیده شده، شرکتی را دولتی می‌کنند و این باعث عدم اعمال اراده و حکمرانی بر آن شرکت از طرف حاکمیت (تا حدی) می‌شود.

۵- طرح شرکت‌های چندملیتی: در مرحله بعد برای اینکه اعمال اراده خود را کاملاً پنهان کنند، شرکت‌ها به شرکت‌های چندملیتی تبدیل شدند - و اصلاً ربطی به آمریکا ندارد - تا مشخص نشود که پشت این شرکت‌ها چه کسانی هستند. وقتی شرکت‌ها وارد میدان می‌شوند، دیگر سازمان‌هایی مانند سازمان ملل در این فضا نقشی ندارند.

۶- حکمرانی چنددلی نفعی به عنوان سیاست پوششی: در گام بعد، حکمرانی چند ذینفعی با هدف پنهان کردن موضوع «چه کسی؟» به عنوان سیاست پوششی مطرح شد. بنابراین شاهد اعمال اراده چند شرکت بین‌المللی به نمایندگی پنهان از جامعه سرمایه‌داری آمریکا هستیم. در شکل شماره ۲، شرکت‌های مهم و تاثیرگذار در عرصه حکمرانی فضای مجازی نشان داده شده است. برای مثال ۲۲۵ شرکت، زیرمجموعه شرکت مایکروسافت فعالیت می‌کنند. و بخش مهمی از شرکت‌ها^۳، به دنبال شناسایی، جذب و خرید شرکت‌های جدید التاسیس در این حوزه هستند.



شکل شماره ۲: شرکت‌های مهم و تاثیرگذار در عرصه حکمرانی فضای مجازی

اگر «چه کسی؟» را بپذیریم، سوالات به گونه‌ای دیگر می‌شود.

- در بازی حکمرانی چنددلی نفعی، دولت‌ها چگونه می‌توانند بازی کنند؟
- آیا بازی دولت‌ها با شرکت‌ها متعادل است؟
- آیا در ذات این بازی، تحقیقی برای دولت‌ها نهفته است؟
- آیا ممکن است بردی برای دولت‌ها به همراه داشته باشد؟
- آیا امکان به هم زدن بازی وجود دارد؟

افراد حقوقی به دنبال پاسخ به این سوال هستند که «چه کسی باید اعمال اراده کند و حق با چه کسی است؟» در صورتی

که سوال جدی‌تر در عرصه حکمرانی این است که «در عمل، اراده چه کسی محقق می‌شود؟»

در همه کشورها از جمله آمریکا، افراد و جنبش‌هایی فراوانی وجود دارند که مخالف حاکمیت و سلطه‌ی همه‌جانبه و بلامنازع آمریکا بر فضای اینترنت هستند. برای مثال جنبش open source برای مخالفت با این حاکمیت بلامنازع شکل گرفت اما در مراحل بعد نیز این جنبش با ابزارهای حکمرانان، تحت حکمرانی و اراده آمریکا قرار گرفت.



۳- مقایسه سبک‌های حکمرانی

Solidarity (همبستگی)	Dialogue (گفتگو)	Exchange (تبادل و مبادله)	Command (دستوری و فرماندهی)	
غیر تأملی (ایمانی) و ارزش‌گرا	تأملی و رویه‌ای	صوری و رویه‌ای	جوهری و هدف‌گرا	عقلانیت
تعهد مأجور	امماع مذاکره شده اقتناع همگانی و توافق	تفصیص کارای منابع	دستیابی اثربخش به هدف	معیار موفقیت
عشق	شبکه	بازار	دولت (سلسله مراتب)	مثال (نمونه‌ی بارز)
انسان وفادار	انسان سیاسی	انسان اقتصادی	انسان سلسله مراتبی	گونه‌های محاسباتی (دستگاه محاسباتی)
هر وقت و هر جا	مقیاس مجدد درست گردن (شکل‌دهی به مسیر)	بازار جهانی	فضای سازمانی (برنامه‌ریزی)	افق زمانی-مکانی
فیانت سوءظن	سروصدا مزافی و پیچ کردن درون سازمانی	ناکارآمدی اقتصادی	عدم اثربخشی	معیار اصلی شکست (ذاتی)
عدم کفویت	ممرمانگی ارتباطات ترمیم‌شده	عدم‌کفایت بازار (شکست بازار)	بوروکراتیزم تشریفات اداری و کاغذ بازی و ...	معیار ثانویه شکست (عرضی)

جدول شماره ۳: مقایسه سبک‌های حکمرانی

براساس نتایج مطالعات میان‌رشته‌ای، به طور مرسوم سه الگو یا سبک حکمرانی وجود دارد. چند سالی هست که الگوی چهارمی نیز قدری مخفی و البته جالب در ادبیات مربوط به حکمرانی وارد شده است.

۳-۱- الگوی «دستوری، سلسله مراتبی و فرماندهی»: الگوی اول الگوی «دستوری، سلسله مراتبی و فرماندهی»

است که دولت در آن نقش تعیین‌کننده دارد و همیشه یک فرد باید تحت دستور و فرماندهی شخص بالادستی‌اش کار کند و اگر خلاف آن انجام دهد، یک بی‌نظمی رخ داده است. بعضاً در برخی حوزه‌ها، با هدف اثربخشی، سلسله‌مراتبی ایجاد شده است که سطوح متفاوت دارد و نهادهای متعددی ایجاد شده است؛ ولی کارآمدی و اثربخشی خاصی وجود ندارد و فقط توپ از یک پله به پله‌ی پایینی میفتد.

۳-۲- الگوی «تبادل و مبادله»: در الگوی حکمرانی دوم یعنی الگوی «تبادل و مبادله» نیز ما شاهد اعمال اراده هستیم.

با این استدلال که مداخله دولت باید کمتر شود و به سمت اعمال حکمرانی از طریق بازار حرکت کنیم. برای مثال آمریکا صنعتی را تا مرحله نقطه سربه‌سر و یا سود اقتصادی حمایت می‌کند و وقتی مطمئن شد که بازیگران دیگر نمی‌توانند از لحاظ فناوری، کیفیت و قیمت به او برسند، الگوی بازار را مطرح می‌کند و بعد نیز به دیگران می‌گوید که چرا خلاف بازار عمل می‌کنید؟! بازار باید حاکم باشد! بازار می‌گوید، قیمت بهتر و کیفیت بالاتر!

۳-۳- الگوی حکمرانی شبکه‌ای: در الگوی سوم حکمرانی سبک «شبکه» مطرح می‌شود. شاید پیش از دیگران فرهنگ

و ادبیات ما بر این موضوع تاکید داشته است. مثلاً اینکه بگو دوست ات کیست تا بگویم اخلاقت چیست! یعنی اینکه دوست بودن اثر فراوان دارد و اعمال اراده‌ی او بر من نیز رخ می‌دهد. تا سخن از شبکه پیش می‌آید، اذهان به شبکه‌های فاوا و اینترنت و ... متبادر می‌شوند. اینجا مقصود آن است که «همجواری» اجازه اعمال اراده می‌دهد. مثل



تغییر جایگاه و جابجایی استراتژیک یک پدر از بالاسربودن فرزندش، به رفیق و همراه‌شدنش با هدف اعمال اراده بهتر بر فرزندش. ما خودبخود بر همسایگان مان اعمال اراده داریم، در عرصه بین‌الملل نیز به همین شکل.

۳-۴- الگوی حکمرانی همبستگی: در الگوی چهارم که مبتنی بر همبستگی است، اشتراکاتی با الگوی شرکتی دارد و معمولاً زیر عنوان مباحث شرکتی مطرح می‌شود؛ به این معنا که در الگوی «همبستگی» نیز امکان اعمال اراده وجود دارد و این اعمال اراده از طریق «عشق و محبت» انجام می‌شود. در حال حاضر شرکت‌هایی مانند اپل، از طریق ایجاد «محبوبیت» برای طرفداران، به دنبال اعمال اراده است. افق زمانی و مکانی این الگو منحصر به حضور در سازمان، بازار و شبکه (تعامل با دیگران) نیست بلکه در هر زمان و هر کجا امکان اعمال اراده وجود دارد.



۴- راهبرد فعالانه خطمشی‌گذاری در فضای مجازی (حکمرانی از طریق فناوری مبتنی بر ارزش‌های بومی)

۴-۱- جبر فناوری، نگاه حاکم بر اعمال حکمرانی در فضای مجازی: جبر فناوری، نگاه حاکم بر اعمال حکمرانی در فضای مجازی است. یکی از مباحث مهم در بحث سیاستگذاری و فناوری این است که آیا سیاستگذاری بر فناوری تفوق دارد یا فناوری بر سیاستگذاری؟ «ابزار دست توست، لذا درست استفاده کن». یعنی می‌توانیم برای این ابزار سیاستگذاری کنیم و در جهت درست استفاده کنیم. - اما در مباحث مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات، فناوری بر سیاستگذاری تفوق پیدا می‌کند. فهم رایج از حکمرانی فضای مجازی این است که در فضای اینترنت نمی‌توان به جز سیاست‌های موجود، سیاست دیگری گذاشت و نوعی «جبرگرایی» حاکم است و سیاستگذاری در ذیل فناوری باید حرکت کند. بنابراین در این فضا، اراده از فناوری قابل تفکیک نیست. هرچند که خطمشی‌گذاری مجبور فناوری است اما در چنین فضایی، ظرفیت تبدیل خطمشی به فن‌آوری بسیار حائز اهمیت است و این راهبرد فعالانه است.

۴-۲- تبدیل خطمشی به فناوری: در چنین فضایی باید خطمشی را تبدیل به فناوری کرد، نه آنکه خطمشی را بر فناوری اعمال کرد. حدود ۱۰ سال قبل، ادبیات فیلترینگ در کشور مطرح شد. در همان وقت -در دولت اوباما- ردیف بودجه جدیدی با عنوان «تولید فناوری عبور از فیلترینگ»، ایجاد شد. به این معنی که دولت آمریکا خطمشی خود را به نیاز فناورانه تبدیل کرد. خطمشی از طریق خود فناوری، خودش را حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات نهادینه می‌کند. در این فضا، فقط از طریق فناوری می‌توان اعمال اراده کرد. تغییر خطمشی‌گذاری با ایجاد فناوری جدید امکان می‌پذیرد. بنابراین نمی‌توان فناوری را گرفت و بر آن اعمال اراده کرد، اعمال اراده در درون فاوا نهادینه شده است. به عبارتی دیگر، زمانی که شما فناوری سیسکو را استفاده می‌کنید، خودبه‌خود، ذیل حاکمیت سیسکو قرار گرفته‌اید. فناوری است که می‌گوید چطور باید اقدام کنید. در ظاهر غالب تنظیمات و جزئیات را خودمان مشخص می‌کنیم، اما در عمل نقاط کلیدی، در دست خود شرکت‌ها و فناوری‌ها باقی می‌ماند. **در حکمرانی فضای مجازی، باید نیاز خطمشی‌هایمان را به نیاز فناورانه تبدیل کنیم.**

۴-۳- استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بومی کشور: از جمله نقاط قوت در عرصه فنی کشور، منابع انسانی (مهندسان) قوی است. بر اساس گزارش ۲۰۱۹ سازمان جهانی مالکیت فکری «WIPO»، ایران سومین کشور جهان در شاخص علوم و مهندسی است. اما متأسفانه در کشور ما بیشتر به دنبال فارسی‌سازی برنامه‌های کاربردی جدید دنیا هستیم. بنابراین در این فضا، نیازمند سیاست‌گذاری هستیم که بتوانند خوب تصور کند و برای مهندسان، **دستور کار** جدید ایجاد کنند و نیاز فناورانه را به آن‌ها سفارش دهند. در حال حاضر در بسیاری از جنبه‌ها، توانایی وجود دارد ولی تقاضایی وجود ندارد. تقاضا و نیاز فناورانه باید مبتنی بر ارزش‌های بومی ما باشد.

ارزش‌های ما می‌تواند فناوری جدید بیافریند، فناوری جدید، خودبه‌خود آن خطمشی را در درون خود دارد، و فناوری ما نیز برای دیگران جبر فناوری ایجاد می‌کند، و وقتی نیازمندی‌های جدیدی را تأمین کند، خودش اشاعه پیدا خواهد کرد و لذا صورت دقیق مشارکت و مداخله در حکمرانی جهانی فضای مجازی از طریق تولید فناوری‌ها مبتنی بر ارزش‌های بومی ماست.



۴-۴- توجه به الگوهای حکمرانی مبتنی بر اجماع و اقناع: فضای اینترنت، شرایطی را ایجاد کرد که به دلیل ارتباط شبکه‌ای، معنی «همجواری» و «کنار هم بودن» تغییر کرده و این ارتباط، شکل مجازی هم به خود گرفته است. در این سبک که کنار هم بودن مجازی به شکل انبوه شکل می‌گیرد، منطق اعمال اراده جدیدی ایجاد می‌شود و بازی اعمال اراده تغییر خواهد کرد. مثلاً به جای آنکه کنترل را شدید کند، تکرار را بیشتر کرده و مبتنی بر اجماع و اقناع رفتار می‌کند. مساله مهم در حکمرانی شبکه‌ای فضای مجازی این است که نباید از مذاکرات طولانی و تکراری، خسته شد.

فضای مجازی خودش یک ابزار اعمال اراده است، وقتی می‌گوییم حکمرانی فضای مجازی، یعنی حوزه اعمال اراده‌ی یک ابزار اعمال اراده، و دارای یک پیچیدگی است. خود ذات فاوا، شبکه هست و خود شبکه نوعی از اعمال اراده به همراه دارد، پس حکمرانی در فضای مجازی که خودش یک ابزار حکمرانی هست، مجدد یک پیچیدگی مضاعف را ایجاد می‌کند. پیچیدگی فناوری فاوا به لحاظ فناوری حکمرانی‌اش فوق العاده هست و کاملاً می‌تواند اعمال اراده‌ها را تغییر دهد. پس هم‌افزایی شبکه (Communication) با حوزه حکمرانی شبکه‌ای، در کنار هم پیچیدگی ایجاد می‌کند. در این عرصه حرف زدن و مذاکره اثر گذار است و باید صبرمان را زیاد کنیم.

۴-۵- ضرورت استفاده از ظرفیت سمن‌ها و NGO ها در مذاکرات جهانی: باید به این پرسش پاسخ دهیم که در مذاکرات جهانی، در قالب چه بازیگری باید وارد بازی جهانی حکمرانی فضای مجازی شویم؟ نماینده دولت، شرکت‌های بزرگ، یا نهادهای NGO؟ در حال حاضر به نظر می‌رسد انجمن‌های مردم‌نهاد و تخصصی چندملیتی توان بهتری برای مذاکرات و چانه‌زنی‌ها در سطح بین‌المللی دارند. بعضاً امروزه، سازمان‌های مردم‌نهاد تخصصی چندملیتی، در مذاکرات بین‌المللی به نسبت دولت‌ها قوت بیشتری دارند.

۴-۶- اعمال اراده و حکمرانی بر بخش‌های محدودتری از فضای مجازی: از عناصر مهم حکمرانی، «اعمال اراده بر کجا و چه چیزی؟» است. در اعمال اراده نیازی به کلیه اجزا نیست. نظام‌های اجتماعی ممکن است بیش از ده‌ها هزار عنصر داشته باشد. هر نظام و سیستم، هزاران جز و عنصر دارد که دولت سعی می‌کند بر تک‌تک اجزاء اعمال اراده کند؛ در صورتی که این توان، از سوی دولت وجود ندارد. ضرورتی وجود ندارد که بر تک‌تک عناصر اعمال اراده کرد. کفایت حاکمیت بر چند عنصر اصلی توجه و اعمال اراده کند؛ مثل عنصر قیمت. چنانچه اعمال اراده بر اجزا محدودتری انجام شود، امکان اعمال اراده دقیق‌تری پیدا می‌شود. لذا باید بپذیریم که اعمال اراده بر همه بخش‌ها و اجزا امکان‌پذیر نیست و باید مشخص کنیم که قرار است بر چه بخش‌هایی از فضای سایبر، اعمال حکمرانی و اعمال اراده کنیم.